ب) ابعدیت ازعامه بعد ازموافقت با قرآن و شهرت اصحاب

فعلاً نکاتی که در رساله ایشان هست و یادداشت کردنی است را عرض کردم. در همین رساله مختصر وقتی به آخر کار میرسند، یکی-دو نکته خوب دارند که در کل فقه به درد میخورد و یادداشت کردنی است. نمیگویم که قبول کنید. منظور اینکه از چنین بزرگ و عالم نمره اولی یادداشت کردنی است که سر جایش متوجه باشید و استفاده کنید. آن چیزی که میفرمایند این است؛ اول روایات رؤیت را میآورند، سندها را بررسی میکنند؛ نکته ی خوب و جالبی که ایشان میگویند این است: میگوییم خُب روایات هست؛ شما این روایات را چه کار میکنید؟ جواب میدهند. بعد میگوییم این آقایانی که با شما مخالف هستند و به این روایات استشهاد کردهاند، یک نکته دارند. میگویند خود ائمه علیهمالسلام یک ضابطه به دست ما دادهاند؛ گفتهاند وقتی دو حدیث متعارض نزد شما آمد، چشمتان را به عامه بیندازید؛ فقها اهلسنت را ببینید. دو روایت هست، هر کدام ابعد از آنها است، آن را انتخاب کنید. حال روایات عدد اصلاً بین اهلسنت نیست. فتوا طبق آن نیست. بین شیعه است که روایات عدد و کامل دائمی سی روزه ماه مبارک هست، خود ائمه هم فرمودهاند روایاتی که ابعد از آنها است را بگیرید. درحالیکه روایات رؤیت با اهلسنت موافق است. این را چه کار میکنید؟ حال مثل شیخ مفیدی میخواهند از این حرفی که از نظر فضای بحث برد قویای دارد و برای طرف مقابل که میخواهد جوابش را بدهد هزینه میطلبد، جواب بدهند. به ذهن شما چه میآید؟ میگوید روایات عدد ابعد از آنها است. حتی شیخ صدوق در فقیه با اینکه باب رؤیت را در فقیه آوردهاند، وقتی به این روایات رسیدهاند فرمودند کسی که به این روایات عمل نکند، «یتقی کما یتقی عن العامه». حتی این تعبیر را آوردهاند. یعنی ابعدیتش معلوم میشود. حال شیخ میخواهند جواب بدهند. اینجا بود که عرض کردم نکاتی است که در کل فقه به درد میخورد.

> **فأمّا ما تعلّق به من شذّ عن أصحابنا، و مال إلى مذهب العامّة و بعض الشيعة في العدد، و عدل عن ظاهر حكم الشريعة من قول أبي عبد الله عليه السلام قال: «و إذا أتاكم عنّا حديثان فخذوا بأبعدهما من قول العامّة» فإنّه لم يأت بالحديث على وجهه.**[1]

«... فإنّه لم يأت بالحديث على وجهه»؛ حال میخواهند فقه الحدیثی ارائه بدهند که بگویند این حدیث «ابعدهما» ربطی به بحث او و تأییدی برای حرف او نیست. ولو ظاهرش ابعدهما باشد.

> **و الحديث المعروف قول أبي عبد الله عليه السلام قال:**
>
> **إذا أتاكم عنّا حديثان مختلفان فخذوا بما وافق منهما القرآن، فإن لم تجدوا لهما شاهدا من القرآن فخذوا بالمجمع عليه، فإنّ المجمع عليه لا ريب فيه، فإن كان فيه اختلاف و تساوت الأحاديث فيه فخذوا بأبعدهما من قول العامّة.**
>
> **و الحديث في العدد يخالف القرآن، فلا يقاس بحديث الرؤية، الموافق للقرآن، و حديث الرؤية قد أجمعت الطائفة على العمل به، فلا نسبة بينه و بين حديث يذهب إليه الشذاذ، و هو موافق لمذهب أهل البدع من الشيعة و الغلاة.**
>
> **و بعد، فإنّ حديث الرؤية قد عمل به معظم الشيعة، و كافّة فقهائهم، و جماعة من علمائهم، و لو لم يعمل به إلّا فريق منهم، لم يكن الخبر به بعيدا من قول العامّة؛ لقربه من مذهب الخاصّة[2]**

«و الحديث المعروف قول أبي عبد الله عليه السلام»؛ اینجا دیگر باید گفت به به! یعنی شیخ مفید واقعاً یک فضای عالمانه که به مقام علمی ایشان می‌آید، برپا کرده‌اند. وقتی به منزل رفتید نگاه کنید. رفتوبرگشت کنید. می‌فرمایند حدیث این است، اینطور نیست که تنها یک حدیث «إذا أتاكم عنّا حديثان مختلفان فخذوا بما وافق منهما القرآن» باشد و تمام. حدیث چیست؟ حدیث این است:

«إذا أتاكم عنّا حديثان مختلفان فخذوا بما وافق منهما القرآن»؛ اول سراغ موافقت با قرآن بروید. محتوا را نگاه کنید. اول سراغ ابعدهما عن العامه بروید؟! همه عامه اگر طبق نص صریح قرآن فتوا دادند، حال یک روایت خلاف نص صریح قرآن می‌آید، شما می‌گویید ابعدهما عن العامه را بگیر؟! اینجا که عامه کاره ای نیستند. در اینجا خود عامه به‌خاطر دلالت روشن یک آیه فتوا داده‌اند. دیگر عامه نیستند.

«فإن لم تجدوا لهما شاهدا من القرآن»؛ بعد چه؟ حال دوباره نگاه به ابعد بکنید؟ نه، **«فخذوا بالمجمع عليه»؛** ببینید مجمع علیه کدام است. آن چه که بدنه امت اسلامیه فهم کرده‌اند و شیعه و سنی فتوا می‌دهند. این استشهاد و سه گام ایشان خیلی عالی است.

«فإنّ المجمع عليه لا ريب فيه»؛ شما «مالا ریب فیه» را به «ما فیه ریب» ترک نکنید.

شاگرد: شما شاهدی دارید که منظور از این «مجمع علیه» هم شیعه و هم عامه منظور است؟

استاد: حضرت فرمودند «خذ بما اشتهر بين اصحابک»، یعنی در حدیثی که می‌گویند «ان المجمع علی لاریب فیه»، قبلش دارند «خذ بما اشتهر بين اصحابک». پس این «مجمع علیه» یعنی «مجمع علیه بین اصحابک». «مجمع علیه» به‌معنای مشهور است. چون قبلش می‌گویند «خذ بما اشتهر بين اصحابک فان المجمع علیه لاریب فیه».

شاگرد۲: قبلش فرمودید «مجمع علیه» یعنی بین فریقین.

استاد: نه، شیخ مفید بعداً می‌گویند این چیزی که شما برایش روایت آورده‌اید، علماء بزرگ شیعه به همراه اهل‌سنت اجماع دارند. در مانحن فیه را عرض کردم. در روایات عدد «مجمع علیه»ای است که

قاطبه شیعه و مشهور شیعه همراه اهلسنت هستند. خُب در اینجا که علماء شیعه همراه اهلسنت هستند، شما میگویید به «ابعدهما» نگاه کن؟! حضرت اول میگویند «مجمع علیه» را بگیر. چون در اینجا میخواهند بگویند «مجمع علیه» شیعه همراه عامه هستند، پس در اینجا جای «ابعدهما» نیست. چون حضرت در گام دوم فرمودند «خذ بالمجمع علیه». این فرمایش ایشان است. خیلی عالی است. از جاهای خیلی خوب است. دیدم حالا که بحث شده حیف است این قسمت از فرمایش ایشان را نخوانیم.

حالا آمدیم و گام اول و دوم نبود؛ شاهدی از قرآن نداشتیم، مجمع علیه هم نبود، حالا به «ابعدهما» نگاه کن. **«فإن كان فيه اختلاف و تساوت الأحاديث فيه فخذوا بأبعدهما من قول العامّة».**

«و الحديث في العدد»؛ حالا شروع به توضیح دادن میکنند. **«و الحديث في العدد يخالف القرآن»**؛ مخالف قرآن است. شیخ طوسی رضوانالله‌علیه در تهذیب و استبصار، اقوی دلیلشان در در اخبار عدد، همین است که مخالف قرآن است. ایشان به این صورت میفرمایند.

«فلا يقاس بحديث الرؤية، الموافق للقرآن، و حديث الرؤية قد أجمعت الطائفة على العمل به، فلا نسبة بينه و بين حديث يذهب إليه الشذاذ، و هو موافق لمذهب أهل البدع من الشيعة و الغلاة»؛ پس گام دوم هم برای این احادیث رؤیت محقق است. هم موافق قرآن است و هم مجمع علیه است. پس چطور شما فوری میگویید به «ابعدهما» نگاه کن؟!

«و بعد، فإنّ حديث الرؤية قد عمل به معظم الشيعة، و كافّة فقهائهم، و جماعة من علمائهم، و لو لم يعمل به إلّا فريق منهم، لم يكن الخبر به بعيدا من قول العامّة؛ لقربه من مذهب الخاصّة»؛ حتی اگر بعض علماء شیعه هم بوده‌اند، نمیتوان گفت این بعید است. چون شیعه دارد طبق آن فتوا میدهد.

---

[1] رؤیت هلال، ج۱، ص: ۱۴۷

[2] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 22 آوریل 2026 11:24:05 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2026 11:28:15 توسط ... .